

فیلم‌هایی که دوباره ساخته می‌شود

وقتی صحبت از نسخه دوباره‌سازی شده یک فیلم سینمایی می‌شود، معمولاً منظور فیلمی است که با نگاهی به قصه یک فیلم موفق دیگر - که یک محصول قدیمی است - ساخته شود و قصه آن فیلم را به عنوان موضوع و دستمایه اصلی انتخاب کرده است.



جام جم آنلاین: وقتی صحبت از نسخه دوباره‌سازی شده یک فیلم سینمایی می‌شود، معمولاً منظور فیلمی است که با نگاهی به قصه یک فیلم موفق دیگر - که یک محصول قدیمی است - ساخته شود و قصه آن فیلم را به عنوان موضوع و دستمایه اصلی انتخاب کرده است. این فیلم‌ها قسمت دوم یا دنباله‌ای بر آن فیلم قدیمی به حساب نمی‌آیند، بلکه فیلم مستقل و تازه‌ای هستند که با الهام از آن فیلم قدیمی ساخته شده‌اند.

برای مثال «پاران اوشن» محصول سال 2001 ساخته استیون سودربرگ نسخه دوباره‌سازی شده فیلمی قدیمی به همین نام است که سال 1960 ساخته شده بود. در حالی که «بتمن» 1989 یک تفسیر مجدد و تازه از قصه کمیک استریپی و ابرقهرمانانه‌ای بود که به عنوان دستمایه اصلی برای تولید فیلم بتمن سال 1966 هم مورد استفاده قرار گرفت. با در نظر گرفتن برخی اشتباه‌ها، نسخه‌های دوباره‌سازی شده فیلم‌های سینمایی تغییراتی در مضمون، حال و هوا و کاراکترهای نسخه اصلی می‌دهند. برای مثال، فیلم «ماجراجوی تامس کراون» سال 1968 روی یک سرقت بزرگ از بانک تمرکز کرده بود، ولی نسخه دوباره‌سازی شده آن سال 1999 در ارتباط با یک سارق حرفه‌ای و کهنه‌کار است که در کار سرقت اشیاء و آثار باارزش و کمیاب هنری است.

زمانی که «شغل ایتالیایی» محصول سال 1969 توسط اف‌گری‌گری سال 2003 دوباره‌سازی شد، همین وضعیت ماجراجوی تامس کراون تکرار شد. در نسخه دوباره‌سازی شده شغل ایتالیایی با بازی مارک والبرگ، برخی از عناصر اصلی قصه نسخه اورجینال مورد استفاده قرار گرفت و در همان زمان، چیزهای تازه‌ای به آن اضافه شد که در نسخه اصلی حضور نداشت. یک مثال قابل ذکر دیگر در این رابطه، فیلم کلاسیک و تحسین شده «صورت زخمی» هاوارد هاوکس محصول سال 1932 است. برایان دی‌پالما این فیلم را سال 1983 با بازی درخشان آل‌پاچینو دوباره‌سازی کرد. در قصه نسخه اصلی مضمون تجارت غیرقانونی نوشیدنی‌های الکلی، حرف اصلی را می‌زد، اما دی‌پالما در فیلم این مضمون را به تجارت مواد مخدر و کوکائین تغییر داد.

بعضی وقت‌ها کار ساخت نسخه دوباره‌سازی شده یک فیلم را همان فیلمسازی به عهده می‌گیرد که نسخه اصلی را کارگردانی کرده بود. اثر کلاسیک سیاه و سفید «قصه علف‌های هرز شناور» یاسوجیرو ازو، چند سال پس از ساخت توسط همین فیلمساز تبدیل به یک فیلم رنگی شد. آلفرد هیچکاک استاد دلهره سینما هم سال «1956 مردی که زیاد می‌دانست» خود را دوباره‌سازی کرد. نسخه اصلی سال 1934 یک فیلم سیاه و سفید بود و نسخه جدید از عنصر رنگ بهره گرفت.

سیسیل بی‌دومیل هم همین کار را سال 1959 با فیلم «ده فرمان» خود کرد. او که نسخه سیاه و سفید و صامت ده فرمان را سال 1923 ساخته بود، با بهره‌گیری از صدا و رنگ سال 1959، اثر کلاسیک دیگری را ارائه کرد که ارزشی همسنگ و برابر فیلم قبلی خود پیدا کرد. میشل هانکه، فیلمساز اتریشی‌تبار فرانسوی سینما سال 2008 نسخه انگلیسی‌زبان «بازی‌های مسخره» را کارگردانی کرد. این فیلم نسخه دوباره‌سازی شده فیلم سال 1997 او بود که به زبان فرانسوی ساخته شده بود. نسخه جدید دقیقاً همان فیلم قبلی بود که نما به نما از نسخه اصلی کپی‌برداری شده بود و این بار فقط زبان آن تغییر کرده بود. مارتین کمپل (کارگردان «نقاب زورو») هم سال 2010، اقتباسی سینمایی از مجموعه موفق تلویزیونی خود «لبه تاریکی» را با بازی مل گیسون ارائه داد، نسخه‌ای که نتوانست موفقیت نسخه اصلی تلویزیونی را تکرار کند.

حال و هوای جدید

الزاماً تمام فیلم‌هایی که صاحب نسخه جدید می‌شوند با همان نام قدیمی خود به روی پرده سینماها نمی‌روند و گاهی اوقات همراه با حال و هوای تازه، نام تازه‌ای هم پیدا می‌کنند. فیلم سال 1966 چارلز والترز به نام «راه برو، ندو» با بازی کری گرانت نسخه دوباره‌سازی شده کمدی دوران جنگ جهانی دوم The more The merrier است. این مثال مربوط به تغییر نام، بیشتر شامل آن دسته از فیلم‌های خارجی‌زبانی می‌شود که صاحب نسخه انگلیسی‌زبان می‌شوند. در این رابطه می‌توان فیلم‌هایی مثل نقطه بدون بازگشت (نسخه دوباره‌سازی شده فیلم فرانسوی «نیکیتا«)، آسمان وانیلی (فیلم اسپانیایی «آبره لوس اوجوس«)، هفت دلار (فیلم ژاپنی «هفت سامورایی«)، بخاطر یک مشت دلار (فیلم ژاپنی «بوجیمبو«)، رفتگان (فیلم کره‌ای «موضوعات داخلی«) و بگذار وارد شوم (فیلم سوئدی «بگذار نفر درست وارد شود«) را مثال زد.

با آن که بعضی وقت‌ها نمی‌توان تعریف مشخصی از جنبه‌های مختلف یک فیلم دوباره‌سازی شده ارائه کرد و فقط می‌توان یک نقطه

مشترک و در حال گسترش مشابه را در بهره‌گیری از قصه مجموعه‌های تلویزیونی - معمولا - موفق، برای تولید نسخه‌های دوباره‌سازی شده سینمایی پیدا کرد. چند سالی است که صنعت سینما گرایش عجیبی برای تبدیل کردن مجموعه‌های کلاسیک تلویزیونی به فیلم‌های دنباله‌دار سینمایی پیدا کرده است و از قصه و مضمون آنها بعنوان مواد اصلی کار بهره می‌گیرد. برخی از این فیلم‌ها در کمال تعجب فروش بسیار پایینی در جدول گیشه نمایش سینماها می‌کنند و برخی از آنها، انعکاس ضعیفی از مضمون اصلی نسخه‌های اورجینال تلویزیونی خود هستند. در این رابطه می‌توان نمونه‌هایی مثل افسونگر با بازی نیکول کیدمن، مریخی محبوب من، دادلی دورایت و هیلپیلی‌های بوری را ذکر کرد، اما برخی مجموعه‌های دیگر مثل ماموریت غیرممکن (که در ایران با نام «بالا تر از خطر» روی آنتن رفت)، سفرهای ستاره‌ای (در ایران: پیش‌تازان فضا) و خانواده آدامز، با موفقیت بسیار زیادی در زمان تبدیل شدن به فیلم‌های سینمایی روبه‌رو شدند.

تلویزیون وارد می‌شود

رسانه تلویزیون یکی از منابع مهم دنیای سینما برای تولید نسخه‌های دوباره‌سازی شده فیلم‌های سینمایی است. تا دو دهه قبل، صنعت سینما توجه زیادی به این امر نداشت، اما این روزها تبدیل کردن یک مجموعه قدیمی و موفق تلویزیونی به یک فیلم سینمایی، بصورت مد روز درآمده است. اگر زمانی تهیه‌کنندگان سینما هرچند وقت یکبار به سراغ دوباره‌سازی سینمایی یک کار پربیننده تلویزیونی می‌رفتند، در حال حاضر برای انجام این کار با هم رقابت سختی دارند و سعی می‌کنند از یکدیگر سبقت بگیرند.

کار دوباره‌سازی سینمایی مجموعه‌های تلویزیونی، تنها اختصاص به تهیه‌کنندگان آمریکایی یا مجموعه‌های آمریکایی ندارد. کم نیستند مجموعه‌های اروپایی (بویژه انگلیسی)، آسیایی و آمریکایی لاتینی که صاحب نسخه‌های سینمایی انگلیسی‌زبان می‌شوند. این در حالی است که اهالی صنعت تلویزیون هم در اقدامی مشابه، فیلم‌های موفق سینمایی را تبدیل به مجموعه‌های دنباله‌دار تلویزیونی کرده‌اند. یکی از تهیه‌کنندگان تلویزیونی می‌گوید: «چیزی که عوض دارد، گله ندارد!» اگر صنعت سینما می‌تواند نسخه‌های دوباره‌سازی شده سینمایی مجموعه‌های تلویزیونی را تهیه کند، چرا رسانه تلویزیون هم دست به چنین کاری نزند؟ مجموعه‌هایی مثل مش، آدم‌های عجیب و غریب، نیکیتای مونث، کوه‌نشین / های‌لندر، ایندیانا جونز جوان، ترمیناتور و بانی خون‌آشام تعدادی از مجموعه‌های موفق و پربیننده تلویزیونی هستند که می‌توان آنها را نسخه‌های دوباره‌سازی شده تلویزیونی تعدادی از فیلم‌های سینمایی دانست.

تصور تازه یا تعمیرکردن؟

از زمانی که صنعت سینما کار دوباره‌سازی نسخه‌های قدیمی فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی را شروع کرده، برای اهل فن و منتقدان سینمایی این سوال مطرح بوده که انجام این کار به معنی ارائه یک تصور تازه از اثری قدیمی است یا خود تعمیرکردن آن؟ به همین خاطر است که این نسخه‌های جدید سینمایی معمولا خیلی به نسخه اصلی خود نزدیک و وفادار نیستند. حتی تعداد زیادی از تهیه‌کنندگان سینمایی هنگام تبلیغ و بازاریابی برای محصولات خود، روی این نکته تاکید می‌کنند که محصول جدید آنها کپی‌برداری از نسخه قدیمی و اصلی نیست. نسخه‌های جدید بعضی وقت‌ها نام و مضمون نسخه اصلی را حفظ می‌کنند، ولی تفاوت‌های کم و زیادی با نسخه اصلی دارند.

ورایتی / مترجم: کیکاووس زیاری